



درباره جایگاه خراسان متأثر از حکیم ابوالقاسم فردوسی در گفت‌وگو با دکتر امیر الهامی، مدرس ادبیات و زبان فارسی شاهنامه، اثری که شناخت سرزمین ایران با آن آغاز می‌شود



سمیرا شاهیان شاهنامه فردوسی از جمله آثار زبان و ادبیات فارسی است که نه تنها ایرانیان در طول تاریخ به آن مهر ورزیده و بزرگش داشته‌اند، بلکه همه جهانیان را تحت تأثیر قرار داده است. تأثیرگذاری و رواج شاهنامه فردوسی در خارج از ایران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست ترجمه‌های این اثر فاخر به زبان‌های مختلف، هم‌چنان که ترجمه عربی محمد بنداری، ترجمه فرانسوی ژول مول، ترجمه ایتالیایی پیتری، ترجمه ترکی علی افندی، ترجمه ژوکوفسکی روسی از داستان رستم و سهراب و... از این گونه است. دوم پژوهش‌های مختلف درباره فردوسی و شاهنامه در عرصه جهانی است که نمونه‌های بسیاری دارد. هرمان اته، خاورشناس آلمانی، در کتاب تاریخ ادبیات فارسی و اشعار غنایی فردوسی، به شاهنامه پرداخته و اشعار غنایی فردوسی را شناسانده است. فون هامر، خاورشناس اتریشی، تئودور نولدکه آلمانی یا نگارش کتاب «حماسه ملی» و «فرهنگ بسامدی شاهنامه فردوسی» از فریتز ولف خاورشناس آلمانی از این نمونه‌ها هستند.

پس با این معرفی، می‌توانیم سوبه دیگری برای کسانی داشته باشیم که به قصد دیدن آرامگاه فردوسی و شخصیت‌های بزرگ ادبی به مشهد سفر می‌کنند.

در ادبیات فارسی پنج حکیم به نام‌های حکیم عمر خیام، ناصر خسرو، سنایی، نظامی و فردوسی داریم که سه تن از این حکما از سرزمین خراسان بزرگ برخاسته‌اند. پس می‌توانیم با این معرفی، قدرت اقتصادی کشور را نیز تقویت کنیم. سوم اینکه این بنا در باغ فردوسی بنا شده است. یعنی مستغلات مادی او هم محل گردشگری شده است. به‌روایتی، نه تنها اندیشه فردوسی برای این سرزمین جذاب است، بلکه مستغلات مادی او نیز امروز یک جاذبه گردشگری شده است. فردوسی همه لحاظ اقتصادی برای پرورش اثرش کار کرده است، هم بخشی از باغ پدری او بستری برای یک جاذبه گردشگری است.

از تجربه تان در دانشگاه قونیه بفرمایید. از دیدگاه شما تأثیر شاهنامه در معطوف کردن توجه مردم ملل دیگر به زبان فارسی چیست؟

شاهنامه از این جهت که زبانش در عین صلابت، پیچیده و بغالت‌ناهنجار نیست. برای کسانی که به زبان فارسی علاقه‌مند هستند قابلیت یادگیری زیادی دارد. یعنی شاهنامه بین کسانی که کمی خواهند زبان فارسی یاد بگیرند ارزش بسیاری دارد. چه کتاب‌هایی که در حوزه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان نوشته شده‌اند چه مدرسانی که در دانشکده‌های زبان خارجی در پاکستان و قونیه سوئدی خواهند نمونه‌هایی از شعر فارسی را بگیرند. از شاهنامه آغاز می‌کنند زیرا افزون بر اینکه زبانش استواری دارد و واژگان فارسی فراوانی را در بر می‌گیرد، دیرپایی و بدفهمی نیز ایجاد نمی‌کند. معتقدم شاهنامه هم لایه‌های پنهان دارد، اما ظاهر کلام و دریافت آن به گونه‌ای است که کار برای کسانی که به زبان فارسی مسلط نیستند دشوار نمی‌سازد. نکته دوم، شخصیت‌هایی که در شاهنامه فردوسی به‌عنوان قهرمان معرفی می‌شوند بیشتر دارای جنبه‌های مردمی هستند. یعنی پایگاه مردمی شاهنامه در مقایسه با بسیاری از متون حماسی حائز اهمیت است. این قهرمانان گاهی در دربار حضور دارند، اما بنیادهای مردمی‌شان حائز اهمیت است. نکته سوم، در بخش حماسی شاهنامه به‌عنوان کتابی که حماسه ملی ماست، بسیاری از آداب و رسوم ایرانیان را داریم که در حقیقت بخشی از آن با مجموعه سنت‌های جهان گذشته و امروز قابل مقایسه و بخشی از سنت‌هایش بر جهان معاصر تأثیر داشته است. بعضی از قصه‌های شاهنامه هیچ مشابه بین المللی‌ای ندارند. از جمله، داستان کاوه هیچ نمونه مشابهی در جهان ندارد و بارها از نظری هم‌تابودن بین پژوهشگران جهان بررسی شده است.

این راستا بوده است که ساخت زبان فارسی را معرفی کند. این در حالی است که حتی درباره توانایی‌ها و ساخت زبان فارسی در بین زبانان اطلاعات خوبی نداریم. در میان زبان‌های مختلف دنیا که به دو دسته تصریفی و اشتقاقی تقسیم می‌شوند، فردوسی توانایی این زبان را در هر دو گونه به جهانیان نشان داده است. برای اینکه از شاهنامه‌ای که قابلیت‌های ذاتی زبان فارسی را به رخ می‌کشد صحبت کنیم، باید به این موضوع بپردازیم که این اثر در چه بستری سروده شده است. وقتی فردوسی از کمترین واژگان بیگانه استفاده می‌کند، پیامش این است که من زبانی دارم که بدون کمک واژگان بیگانه، قابلیت واژه‌سازی فراوان دارد. بنابراین اگر قبل از اینکه به سهراب و رستم بپردازیم، بدانیم زبانی که این شخصیت‌ها را خلق کرده است چه توانایی‌ای دارد، گام مهمی برداشته‌ایم. از این رو، به باور من، با مقالات و برگزاری همایش‌هایی که مهمانان متخصص پرشماری می‌توانند داشته باشند، می‌شود قدم‌های مؤثر بعدی را برداشت.

همه می‌دانیم مشهد از جنبه‌های مختلف زیارتی، فرهنگی، ادبی و... قطب است. چطور می‌توانیم آثار مثبت فرهنگی و ادبی این جهان شهر را به جهانیان صادر کنیم؟

در انتساب فردوسی و توانایی‌هایی که این مجموعه (شاعران توسی و منطقه شاعر پرور توس) دارند، باید نگاه مستقلی داشته باشیم. با پسوند «توسی» دوازده سیزده نویسنده و شاعر توانا داریم: فردوسی توسی، نصرالدین توسی، دقیقی توسی... و بنا بر این، وقتی این منطقه جغرافیایی را بشناسیم، معرفی آنجا چند اتفاق موزی در پی خواهد داشت: یک، جهانیان متوجه می‌شوند فردوسی یک اتفاق یا جهش ژنتیکی نیست. این منطقه بالقوه توانایی پرورش بزرگانی از این دست را داشته است. کتاب‌های «سیاست‌نامه» و «اخلاق ناصر» آثار ارزشمندی در جهان اسلام و ایران و مناسبات ادبی به‌شمار می‌آیند. پس این منطقه از خراسان، جایی برای پرورش بزرگان بوده است و این موضوع در جهان پررنگ می‌شود. دوم، در جهان گذشته کسب علم و دانش با ثروت اقتصادی ارتباطی نداشته است. یعنی حکما و طبیبان و ادیبان بالذات متمول نبوده‌اند، بلکه فقر ونداری برای آنان رایج تر بوده است. فردوسی نیز کسی نبوده که حکمت و علم را برای کسب ثروت پیشه کند، بلکه مردی بوده که ثروت را برای شناساندن فرهنگ مصرف کرده است. پس مشهد زادگاه افرادی است که مناسبات و قدرت‌های اقتصادی خودشان را در مسیر احیای بنیان‌های فرهنگی هزینه کرده‌اند و فردوسی از این دسته افراد است.

مطرح شود؟

مجموعه مقایسه‌های جهانیان درباره شاهنامه با آثار ملی جهان، این نکته را به خوبی نشان می‌دهد. برخی کشورها از جمله تاجیکستان، افغانستان و پاکستان در حوزه ایران شهر هستند و زبان فارسی در آنجا هنوز کارآمدی اجتماعی خود را دارد. دسته دیگری از کشورها نیز هستند که زبان فارسی را به‌عنوان یک کرسی دانشگاهی پذیرفته‌اند و در دانشکده‌های زبان‌های خارجی‌شان روی این زبان پژوهش می‌کنند. در آن سرزمین‌ها متوجه می‌شویم شاهنامه اثری است که معرفی سرزمین ایران با آن آغاز می‌شود. یعنی از ویژگی‌هایی برای مقایسه برخوردار است. گزینیه‌هایی برای تطبیق و یک مطالعه فرهنگی در شاهنامه وجود دارد که در جهان مطرح می‌شود. وقتی از قهرمان‌های ملی

امیر الهامی، مدرس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های فردوسی و خیام که پیشینه تدریس برای دانشجویان دانشگاه سلجوق ترکیه را در سفری به این کشور داشته است، در گفت‌وگو ویژه پرونده این هفته به مناسبت بزرگداشت حکیم فردوسی، درباره ابعاد فراملی شاهنامه فردوسی گفته است.

جهانیان نیز مهم است. دستاوردهای این ظرفیت در عرصه بین‌المللی چیست؟

یکی از جلوه‌های ارتباط یک کلان‌شهر با جهان، فرای مناسبات استانی در تقسیم‌بندی کشور، شاخصه‌های فرهنگی آن شهر است. همان‌طور که در اسپانیا کاخ الحمراء به‌عنوان یک جاذبه مطالعاتی، فرهنگی و گردشگری، عاملی برای ارتباط استان اندلس و شهر مالاکامی بینید، مشهد نیز در کنار این‌ها تاریخی با اهمیت، شخصیت‌هایی فراتر از نگاه ملی دارد. وقتی می‌بینیم بزرگانی فردوسی را یادانته و شاهنامه‌اش را با «کمدی الهی» (سه‌گانه‌ای است به شعر که دانته آلیگیری، شاعر ونویسنده ایتالیایی، نوشتن آن را در سال ۱۳۰۸ میلادی آغاز و تا زمان مرگش در سال ۱۳۲۱ میلادی کامل کرد) مقایسه کرده‌اند، وقتی در اخبار جهان می‌شنویم که اشعار شاهنامه فردوسی وارد موسیقی پاپ کشورهای دیگر شده است و وقتی می‌دانیم هنر نقالی که یک گوشه‌اش شاهنامه فردوسی است به‌عنوان جریانی در هنرهای نمایشی در جهان امروز ما مطرح می‌شود، متوجه می‌شویم شاهنامه جدا از کارکردهای آموزشی و فرهنگی خودش در ایران، در جهان هم حائز اهمیت است. این شخصیت چه بارگاش چه زبانش متعلق به قومی است که در این برهه جغرافیای می‌بینیم. بدون شک، جهانیان حتی به‌عنوان یک گردشگر ساده دوست دارند به فردوسی و آرامگاه این حکیم توجه کنند. بنا بر این، در کنار همه هیاهوهای اقتصادی‌ای که از این منظر پیش می‌آید، جهان اعتبار علمی خودش را در این خصوص جست‌وجو می‌کند و ما از این جست‌وجوگری جهانی نمی‌توانیم بی‌بهره باشیم. تلاش فرزانده‌ای که فقط برای یک آرامگاه در شهر قونیه ترکیه می‌شود این مهم را گوشت می‌کنند که آرامگاه فردوسی در مشهد می‌تواند امتیازهای بسیاری در جهت اعتبار بخشی اقتصادی، ملی و حتی کافرینی و جاذبه‌هایی برای گردشگری فرهنگی و ادبی به ارمغان بیاورد.

مشهد زادگاه

افرادی است که مناسبات و قدرت‌های اقتصادی خودشان را در مسیر احیای بنیان‌های فرهنگی هزینه کرده‌اند و فردوسی از این دسته افراد است

صحبت می‌شود، می‌گویید زیگفرد (قهرمان افسانه‌ای و شاهزاده اساطیر اسکاندیناوی و قهرمان رویین تن حماسه نیبلونگ است)، آشیل (قهرمان اسطوره‌ای یونان در داستان جنگ تروا است) و اسفندیار (شاهزاده کیانی در تاریخ اسطوره‌ای و حماسی ایران است که بیشتر برای نبرد سوگ انگیزش با رستم، دیگر پهلوان ایرانی، شناخته می‌شود). بالآخره باید با مورد مشابه با ضد، چیزی را بشناسیم. این زمینه در شاهنامه فردوسی به‌عنوان یک اثر وجود دارد که در جهان پیرامون ما با دو تقسیم‌بندی‌ای که بیان کردم به چشم می‌خورد.

برای اثرگذاری مفید تر شاهنامه به‌عنوان یک شاهکار ادبی برآمده از سرزمین خراسان در بعد بین‌المللی چه کمبودهایی داریم؟ آیا نیازی به تأسیس پژوهشکده‌های مختلف در جهان وجود دارد؟

نیاز به پژوهش بیشتر نداریم بلکه نیازمند معرفی بیشتر شاهنامه و بستری که فردوسی سازنده است هستیم. باید ساخت زبان فارسی به‌عنوان زبانی که می‌تواند خالق این مجموعه باشد معرفی کنیم. بر کسی پوشیده نیست که همه تلاش فردوسی در

به نظر شما زمینه‌هایی در شاهنامه فردوسی وجود دارد تا این اثر به‌عنوان یک مطالعه فرهنگی در جهان